



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۱۸

غلام سخی غیرت

## اگر برای صلح کار می کنی، برای جنگ آماده گی بگیر!

از هر زمان دیگری بحث صلح در افغانستان بیشتر دامنه یافته است. امریکا، چین، روسیه، پاکستان و آری در خود افغانستان صلح موضوع روزمره گفت و گوها شده است. طالبان بیشتر از آن که یک نیروی نظامی باشند، اینک در صحنه سیاسی نیز فعال شده اند.

می گویند، تاریخ تکرار می شود، یک بار به گونه ی تراژیک و بار دیگر به گونه ی مسخره .

در نومبر ۱۹۹۱ هیئت مجاهدین به مسکو رفت و با الکساندر روتسکوی معاون رئیس جمهور روسیه و دیگر مقامات آن کشور مذاکراتی انجام داد، و همین نقطه پایان حکومت داکتر نجیب الله بود که آرزو داشت از طریق تحقق پالیسی مصالحه ملی، از خونریزی و ویرانی افغانستان جلوگیری شود. و لی روسیه که می خواست هر چه زودتر از منجلااب افغانستان بیرون آید، موافقت کرد:

۱ - حکومت مجاهدین را پس از سقوط کابل، به رسمیت بشناسد.

۲ - هرگونه کمک را به حکومت نجیب الله قطع کند.

۳ - از جانب مجاهدین اطمینان یافت که غرامت جنگ را طلب نخواهند کرد.

این سناریو امروز تکرار می شود. آقای ترامپ رئیس جمهور امریکا دیگر به ارزشهای دموکراسی و آزادی که پدران بنیاد گزار امریکا در اعلامیه استقلال امریکا و قانون اساسی این کشور تسجیل کرده اند و دولت امریکا، از برکت ارزشهای شامل این اسناد، خود را مدافع آزادی، دموکراسی و حقوق بشر معرفی می کرد، فقط یک ارزش را برجسته ساخته است و آن پول است. امریکا نه تنها مبالغ بزرگی را در افغانستان هزینه کرده است که هزاران جوان خود را نیز در سرزمین ما قربانی داده است. آقای ترامپ اکنون می خواهد به هر قیمتی که شده، از جنجال افغانستان خود را بیرون بکشد. این واقعیت که حکومت افغانستان در مذاکرات مستقیم با طالبان نقشی ندارد و موضع ادعای حکومت به عنوان مالک پروسه صلح، نادیده گرفته می شود، خط دنباله دار ناکامی دولت را در مذاکرات ترسیم می کند. وانگهی دولت نیز انگار خواب است. رئیس جمهور همه اش مشغول کمپاین انتخاباتی خود است و رئیس اجراییه منتظر فرصت.

در شرایط کنونی سه مساله در اولویت قرار دارد:

اول: تقویت نیروهای نظامی و امنیتی طوری که بتوانند در موضع گیری جدی دولت در مذاکرات، اهرمی تاثیر گذار باشند. چند ضربت محکم به طالبان و همراهان شان این روحیه را کلی قوت می بخشد.

دوم: بسیج مردمی در تامین امنیت .

طالبان با همدستی مقامات و اشخاص معینی فعالیت خود را گسترش می دهند. بدون چنین شبکه ی ناممکن است که بتوانند در درون شهرها و حتی پایگاه های نظامی و امنیتی نفوذ داشته باشند .

باور نمی شود که ارگانهای دولتی با این همه ساختارهای نظارتی و کشفی، از چنین فعالیتهایی آگاهی نداشته باشند.

مگر دولت خوابیده که نمی تواند از آماده گی و آگاهی مردم به نیکویی بهره ببرد و آنان را طوری بسیج کند که از گزند مصایب غیر قابل تصور، در صورت به قدرت رسیدن طالبان در امان بدارد؟

سوم: در بین راستا بسیج رسانه ها خیلی مهم است، به خصوص در مورد افشای توطئه ها و توضیح اهمیت حیاتی دستاوردها، طوری که این ارزشها در ذهن و ضمیر مردم به نیروی حرکت مبدل گردد .

دیپلماسی ما با دریغ لنگ و ناتوان است و نتوانسته است به گونه سازنده و فعال در ذهنیت دولتهای متحد، منطقه و جهان تاثیر گزار باشد .

برای امریکا آسان نیست که از افغانستان بیرون رود و مانند گذشته آن را به طالبان بسپارد. اگر امریکا از ویتنام توانست بیرون آید، یک دلیل آن حضور فقط امریکا در جنگ بود، نه کشورهای متحد دیگری. اما در افغانستان چنین نیست. در حدود چهل تا پنجاه کشور به دعوت امریکا در مبارزه با تروریسم طالبان لیبیک گفتند. در کنار

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

امریکا جنگیدند و قربانی دادند. برای ناتو جنگ در افغانستان نخستین آزمایش آنست در حوزه خارج از فضای امنیتی آن. این هم به ساده گی برای امریکا قابل هضم نیست. از سوی دیگر تروریسم ادامه دارد. افغانستان را به دست فراموشی سپردن به معنی ایجاد مراکز آموزشی و بسیج گسترده تروریستان در سطح جهانی خواهد بود. غرب با پاکستان متحد خود، در لگام زدن به مراکز تروریسم ناکام است. اگر در این استقامت مراکز دیگری نیز ایجاد گردد آنگاه در سطح جهانی امنیت به خطر جدی مواجه می شود.

بیرون آمدن امریکا و ناتو از افغانستان همان، و سقوط اعتبار ناتو و امریکا همان. میدان برای رقبای جهانی آنان فراخ تر می گردد.

در چنین لحظه یی سرنوشت ساز تاریخی، هر گونه عطالت و غفلت در تقویت نیروهای امنیتی، تقویت دیپلوماسی خیلی فعال و گسترده، و ارتقای روحیه اعتماد به نفس و اقتدار در این نیروها، و سرکوبی مفسدان با قاطعیت، تجربه شکست پرورده مصالحه ملی حکومت داکتر نجیب الله تکرار خواهد شد. لکن این بار به شکل مسخره. ولی ملت دیگر توان چنین مسخره بازی ها را ندارد. باید از تجارب و از تاریخ آموخت.

پایان